

چهارم ربیع الثانی مصادف با تولد حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



1. تبار (1)

تبار حضرت عبدالعظیم علیه السلام با چهار واسطه ، به سبط اکبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان وحی می رسد . احمد بن علی نجاشی - که یکی از ارکان علم رجال است - ، درباره نسب آن بزرگوار می نویسد: هنگامی که جنازه او را برای غسل برهنه می کردند، در جیب لباس وی نوشته ای یافت شد که در آن ، نسبش ، این گونه ذکر شده بود : من ابوالقاسم ، عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن علی بن حسن بن علی بن ابی طالب هستم . (2) براساس این نسخه از رجال النجاشی ، در نسب ایشان، میان وی و امام حسن علیه السلام ، پنج نفر واسطه وجود دارد؛ لیکن در نسخه های معتبر این کتاب (3) ، میان «زید» - یعنی جدّ سوم ایشان - و امام حسن علیه السلام ، شخص دیگری واسطه نیست. بنابراین ، نیاکان حضرت عبدالعظیم علیه السلام به ترتیب ، عبارت اند از :

1. عبدالله بن علی

پدر حضرت عبدالعظیم علیه السلام ، «عبدالله» نام داشت و مادرش، «فاطمه» دختر عقبه بن قیس بود. (4) عبدالله ، در زمان حیات جدّش «حسن بن زید» متولد شد و چون قبل از تولّدش ، پدرش «علی» در زندان درگذشت ، جدّش کفالت او را به عهده گرفت. (5) از عبدالله ، به نقلی ، پنج پسر و به نقلی ، نه پسر (6) بر جای ماند که یکی از ایشان حضرت عبدالعظیم علیه السلام بوده است .

2. علی بن حسن

نام جدّ اوّل حضرت عبدالعظیم علیه السّلام ، «علی» و لقب او «سدید» (7) است . وی همراه پسرعمویش عبدالله محض و گروهی دیگر از سادات حسینی ، در دوران خلافت منصور بر ضدّ عبّاسیان قیام کرد . جمعی از آنان و از جمله وی ، دستگیر و به بغداد منتقل شدند . او پس از مدّتی در زندان وفات یافت . (8)

3. حسن بن زید

جدّ دوّم حضرت عبدالعظیم علیه السّلام ، «حسن» نام داشت . وی تنها فرزند پسر زید بود که از بزرگان عصر خودش به شمار می رفته ، و در بین بنی هاشم ، به بخشش ، گرم ، سخاوت و خدمت به محرومان ، شهرت داشته است . وی از سوی منصور عبّاسی به ولایت مدینه گمارده شد ؛ ولی پس از مدّتی ، مورد خشم و او قرار گرفت و به زندان افتاد (9) و در سال 168 ق ، در هشتاد سالگی از دنیا رفت . (10)

4. زید فرزند امام حسن علیه السّلام

جدّ سوّم حضرت عبدالعظیم علیه السّلام ، زید فرزند بزرگ امام حسن مجتبی علیه السّلام است . ایشان متولّی اوقاف پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم بوده و به جلالت قدر ، کرامت طبع ، عزّت نفس و کثرت نیکوکاری ، توصیف گردیده است . شاعران ، او را ستوده اند و مردم از هر سو برای برخورداری از فضلش به وی روی می آورده اند. (11) وی در یکصد سالگی ، چشم از جهان فرو بست (12) و در محلّی به نام «حاجز» در چند منزلی مدینه دفن گردید. (13)

نگاهی گذرا به زندگی نامه نیاکان و خاندان حضرت عبدالعظیم علیه السّلام نشان می دهد که این خاندان ، دارای دو ویژگی برجسته بوده اند :

اوّل : مبارزه و پیکار بر ضدّ ستم و سلطه استکباری حاکم به جامعه اسلامی، به گونه ای که پدر حضرت عبدالعظیم علیه السّلام در زندان از دنیا رفت و ایشان پدر خود را ندید ، و جدّ ایشان نیز مدّتی در زندان به سر برد .

دوّم : کرامت طبع ، عزّت نفس و خدمت به محرومان . ملقّب شدن عبدالعظیم به حضرت «السّید الکریم» ریشه در این ویژگی خانوادگی این بزرگوار دارد . (14)

2. تاریخ تولّد و وفات

تاریخ دقیق تولّد و وفات حضرت عبدالعظیم علیه السّلام مشخص نیست ؛ (15) اما در برخی از منابع متأخّر ، این گونه آمده است :

حضرت شاه عبدالعظیم که کنیه اش ابوالقاسم و ابوالفتح نیز بوده ، در روز پنج شنبه چهارم ماه ربیع الآخر سنه 173 هجری قمری ، مطابق 25 تیر ماه 158 یزدگردی ، در زمان هارون الرشید در مدینه در خانه جدّش حضرت امام حسن مجتبی علیه السّلام متولّد شده ... و پس از مدّت 79 سال و شش ماه و یازده روز قمری عمر ، در روز آدینه پانزدهم شوّال المکرم سنه 252 هجری قمری ، مطابق سیزده مهر ماه قدیم سنه 235 یزدگردی ، در زمان المعترّ بالله عبّاسی به سرای آخرت رحلت نمود . (16)

همچنین در برخی از منابع متأخر از کتبا نزهة الأبرار سیّد موسی برزنجی و مناقب العترة ی احمد بن محمد بن فهد حلّی و تاریخ نورالدین محمد السمهودی نقل شده که ولادت حضرت عبدالعظیم علیه السّلام پنجشنبه چهارم ربیع الثانی سال 173 ق ، در مدینه و وفاتش در پانزدهم شوّال 252 ق ، بوده است . (17)

گفتنی است با توجّه به این که در منابع کهن و معتبر ، تاریخ تولّد و وفات ایشان ذکر نشده و منابع گزارش های پیش گفته ، شناخته شده نیستند ، این گزارش ها فاقد اعتبارند ؛ لیکن در کتاب شریف الکافی ، از حضرت عبدالعظیم علیه السّلام ، از هشام بن حکم روایت نقل شده است . (18) تاریخ وفات هشام بن حکم ، سال 199 ق ، یا پیش از آن است . (19) و مظنون ، این است که حضرت عبدالعظیم علیه السّلام هنگام نقل روایت ، کمتر از بیست سال نداشته است . بنابراین ، تولّد ایشان باید سال 180 ق ، یا پیش از آن باشد . (20)

همچنین براساس روایتی از امام هادی علیه السّلام که ثواب زیارت قبر حضرت عبدالعظیم علیه السّلام ، همانند زیارت مرقّد سیّدالشّهداء علیه السّلام دانسته شده ، باید بگوییم که او در دوران امام هادی علیه السّلام و پیش از شهادت ایشان از دنیا رفته است و از آن جا که دوران امامت ایشان از سال 220 تا 254 ق بوده ، وفات حضرت عبدالعظیم علیه السّلام پیش از سال 254 ق ، اتّفاق افتاده است .

بنابراین ، هر چند بر پایه قراین یاد شده ، احتمال تولّد حضرت عبدالعظیم علیه السّلام در سال 173 ق ، و وفات ایشان در سال 252 ق ، منطقی و معقول است ، با این حال ، اثبات آن نیاز به منبع معتبر دارد .

از سوی دیگر با عنایت به این که به هر دلیل ، چهارم ربیع الثانی ، به عنوان تاریخ تولّد حضرت عبدالعظیم علیه السّلام و پانزدهم شوّال ، به عنوان تاریخ وفات ایشان شهرت یافته ، بزرگداشت یاد آن حضرت و تجلیل از مقام معنوی آن بزرگوار در روز های یاد شده ، نیکوست . (21)

گفتنی است که در جلسه 628 مورّخ 26/5/1389 شورای انقلاب فرهنگی ، چهارم ربیع الثانی ، به عنوان « روز ولادت حضرت حضرت عبدالعظیم علیه السّلام » جهت درج در تقویم رسمی کشور به تصویب رسید و در تاریخ 18/7/1389 به آستان مقدّس آن حضرت ابلاغ گردید .

3. در ک محضر امامان

براساس آنچه در تاریخ تولّد و وفات حضرت عبدالعظیم علیه السّلام گذشت ، ایشان دوران حیات پنج امام از امامان اهل بیت علیه السّلام - یعنی امام کاظم علیه السّلام تا امام عسکری را درک کرده است ؛ اما این بدان معنا نیست که به محضر همه آنها هم رسیده و یا از آنها سخنی نقل کرده است . آنچه قطعی و مسلّم است، این است که ایشان محضر امام جواد علیه السّلام و امام هادی علیه السّلام را درک نموده و از آنها احادیث فراوانی نقل کرده که بخشی از آنها در این حکمت نامه آمده اند . همچنین اگر به روایت کتاب الاختصاص منسوب به شیخ مفید اعتماد کنیم، حضرت عبدالعظیم علیه السّلام محضر امام رضا علیه السّلام را نیز درک کرده و از ایشان روایت نموده است (22).

گفتنی است که طبق برخی از نسخه های رجال الطوسی ، حضرت عبدالعظیم علیه السّلام از اصحاب امام عسکری شمرده (23) و در کتاب شرعة التسمیة میرداماد نیز آمده که ایشان محضر امام عسکری علیه السّلام را نیز درک کرده است؛ (24) لیکن روایتی از آن امام، از طریق ایشان به ما نرسیده است

4. عظمت علمی

برای اثبات عظمت علمی حضرت عبدالعظیم علیه السّلام کافی است که بدانیم امام معصوم ، مردم را برای حلّ مشکلات دینی و یافتن پرسش های اعتقادی و عملی شان ، به ایشان ارجاع داده است.

صاحب بن عبّاد در رساله ای که در شرح حال حضرت عبدالعظیم علیه السّلام نوشته ، (25) در توصیف علمی ایشان آورده : ابو تراب رویانی ، روایت کرد که شنیدم ابوحمّاد رازی می گفت : خدمت امام هادی علیه السّلام درسامرا رسیدم و مسائلی از حلال و حرام از ایشان پرسیدم . امام به پرسش های من پاسخ داد و هنگامی که خواستم از ایشان خدا حافظی کنم به من فرمود :

«یا أبا حمّاد! أشکّش عَلیک شَیْءٌ مِنْ أَمْرِ دِینِکَ بِنَا حَیَّتِکَ فَسَلْ عَنْهُ عَبْدَ الْعَظِیمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِیِّ وَ اقْرِئْهُ مِنْنِی السَّلَامَ.» ای ابو حماد ! هنگامی که چیزی از امور دینی در منطقه ات برای تو مشکل شد ، از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی بپرس و سلام مرا به او برسان . (26)

این تعبیر، به روشنی نشان می دهد که حضرت عبدالعظیم علیه السّلام در عصر خود ، مجتهد توانمندی بوده که براساس اصول و قواعدی که از اهل بیت علیهم السّلام در اختیار داشته ، می توانسته دیدگاه های اسلام ناب را در زمینه های مختلف اعتقادی و عملی ، استخراج کند و به پرسش های مردم پاسخ گوید.

بنابراین، ایشان تنها یک محدّث و راوی احادیث اهل بیت علیهم السّلام نبوده است ؛ بلکه از علمای بزرگ خاندان رسالت بوده که پس از معصومان ، توان پاسخگویی به مسائل علمی را داشته و توانمندی علمی اش مورد تأیید و تصدیق امام هادی علیه السّلام قرارگرفته است . (27)

5. تألیفات

مرحوم نجاشی در کتاب رجال خود - که با موضوع « مؤلفان شیعه » تألیف شده - ، از حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام نام برده و کتاب خطب امیرالمؤمنین علیه السلام را به وی نسبت داده است. (28)

چه بسا سید رضی رحمة الله در تدوین نهج البلاغه از این کتاب استفاده کرده باشد و این کتاب از مصادر اصلی نهج البلاغه باشد! نجاشی در پایان شرح حال حضرت عبدالعظیم علیه السلام ، سند خودش را به روایات ایشان ، از طریق استادش ابن نوح ، به حضرت عبدالعظیم می رساند . (29)

شیخ طوسی نیز در کتاب الفهرست خود - که موضوع آن ، معرفی مؤلفان و مصنفان شیعه است - از حضرت عبدالعظیم نام می برد و می گوید : « له کتاب » . سپس سند خودش را به احمد بن ابی عبدالله برقی می رساند که او از حضرت عبدالعظیم علیه السلام نقل حدیث می کند. (30)

صاحب بن عباد نیز در احوال حضرت عبدالعظیم علیه السلام ، عبارت : « له کتاب یسمسه کتاب یوم و لیلۃ » را آورده است . (31)

6. عظمت معنوی

مهم ترین نشانه عظمت معنوی و مقامات باطنی حضرت عبدالعظیم علیه السلام برابری فضیلت زیارت مزار آن بزرگوار ، با فضیلت زیارت سیدالشهدا است.

شیخ المحدثین ، صدوق ، از محمد بن یحیی عطار - که یکی از اهالی ری است - این گونه نقل کرده که : خدمت امام هادی علیه السلام رسیدم . ایشان فرمود: «کجا بودی؟»

گفتم : حسین بن علی علیه السلام را زیارت کردم . امام هادی علیه السلام فرمود :

«أما إِنَّكَ لَوُزِّرْتَ قَبْرَ عَبْدِ الْعَظِيمِ عِنْدَكُمْ كُنْتُ كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.» (32)

بدان که اگر قبر عبدالعظیم را در شهر خودتان زیارت کنی ، مانند کسی هستی که حسین بن علی علیه السلام را زیارت کرده باشد .

برای توضیح این روایت و تبیین عظمت معنوی حضرت عبدالعظیم علیه السلام ، باید موضوعات : فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام و مقصود از برابری زیارت حضرت عبدالعظیم با زیارت امام حسین علیه السلام و حکمت آن، بررسی گردند .

الف - فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام

در احادیث اهل بیت «علیهم السلام»، فضایل، آثار و برکات فراوانی برای زیارت امام حسین علیه السلام بیان شده است، مانند: آمرزیده شدن گناهان، دعای فرشتگان، دعای اهل بیت «علیهم السلام» طولانی شدن عمر، افزوده شدن روزی، زدوده شدن اندوه، شادی دل، تبدیل شدن بدی ها به خوبی ها، تبدیل شدن شقاوت به سعادت، و برخورداری از حق شفاعت.

همچنین در شماری از احادیث، فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام بیشتر از حج و حتی طبق برخی از احادیث، ثواب آن، بیش از هزار حج و هزار عمره است. (33)

ب - مقصود از برابری زیارت عبدالعظیم با زیارت سید الشهدا علیه السلام

مسئله این است که براساس حدیث یاد شده، آیا زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام به طور مطلق می تواند جایگزین زیارت امام حسین علیه السلام شود و یا در شرایط خاصی، از چنین فضیلتی برخوردار است؟ در یک جمله، آیا برابری زیارت عبدالعظیم علیه السلام و زیارت امام حسین علیه السلام مطلق است و یا مقید؟ بی تردید، مقصود امام هادی علیه السلام در حدیث یاد شده، این نیست که از فضایل زیارت امام حسین علیه السلام بکاهد و یا در بیان فضیلت حضرت عبدالعظیم علیه السلام مبالغه نماید. بنابراین، در پاسخ به سؤالی که مطرح شد، می توان گفت: برابری فضیلت زیارت عبدالعظیم علیه السلام و امام حسین علیه السلام مقید است به فضای سیاسی ویژه ای که پیروان اهل بیت «علیهم السلام» در آن مقطع تاریخی در آن زندگی می کردند، در زمانی که اختناق شدیدی جهان اسلام را فراگرفته بود و جامعه تشیع در دوران زمامداری افرادی مانند: متوکل، معتز و معتمد عباسی، سخت ترین دوران های تاریخی خود را سپری می کرد. در چنین شرایطی، امام هادی علیه السلام به منظور پیشگیری از خطرهایی که از طرف حکومت های وقت، شیعیان را تهدید می کرد، فضیلت زیارت حضرت عبدالعظیم را با زیارت امام حسین علیه السلام برابر دانسته است. به تعبیری روشن تر، زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام برای کسانی که آمادگی خطر پذیری برای زیارت امام حسین علیه السلام را داشته باشند، پاداشی معادل زیارت آن حضرت دارد و حرم حضرت عبدالعظیم علیه السلام شعبه ای از حرم سید الشهدا علیه السلام است. و این خود، فضیلتی بزرگ و حاکی از جایگاه بلند عبدالعظیم در نزد اهل بیت «علیهم السلام» است. و این خود، فضیلتی بزرگ و حاکی از جایگاه بلند عبدالعظیم در نزد اهل بیت «علیهم السلام» و عظمت معنوی ایشان است.

ج - حکمت برابری زیارت عبدالعظیم علیه السّلام با زیارت سیّدالشهدا

برابری فضیلت زیارت حضرت عبدالعظیم با زیارت سالار شهیدان - هرچند در شرایط ویژه - بی تردید بدون حکمت نیست. شاید نتوان به حکمت آن پی برد؛ لیکن راز و رمز این فضیلت بزرگ را باید در شخصیت علمی، عملی و جهادی آن بزرگوار، جستجو کرد.

درمیان امام زادگان، شخصیت های بزرگی وجود دارند؛ اما درباره هیچ یک از آنها نقل نشده و حدّاقل به ما نرسیده که زیارتش با زیارت سیّدالشهدا برابری کند.

بنابراین، حضرت عبدالعظیم علیه السّلام باید از خصوصیات و مقامی برخوردار باشد که از مرقد مطهرش نور حرم حسینی ساطع گردد و شمیم دل انگیز سیّدالشهدا از آن استشمام شود.

گفتنی است که احادیث دیگری نیز در فضیلت زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السّلام نقل شده اند، مانند آنچه از شهید ثانی در تعلیقه خلاصة الاقول علامه حلّی از امام رضا علیه السّلام نقل شده که فرمود:

هر کس قبر عبدالعظیم را زیارت کند، بر خدا لازم می شود که او را داخل بهشت کند. (34)

و در حدیث دیگری از آن امام آمده که فرمود:

هرکس نمی تواند مرا زیارت کند، برادرم عبدالعظیم حسنی را در ری زیارت کند (35).

لیکن این احادیث، علاوه بر ارسال و ضعف سند، از نظر تاریخی نیز مورد خدشه اند؛ زیرا حضرت عبدالعظیم علیه السّلام سال ها پس از شهادت امام رضا علیه السّلام زنده بوده است، مگر این که بگوییم از اخبار غیبیه امام رضا علیه السّلام هستند.

7. روایات حضرت عبدالعظیم علیه السّلام

بخش قابل توجّهی از کتاب هایی که در شرح حال حضرت عبدالعظیم علیه السّلام تألیف شده اند، به روایاتی اختصاص یافته که در سلسه سند آنها قرار گرفته است، مانند:

کتاب جنّات النعیم، (36) شصت روایت؛ روح و ریحان، (37) 57 روایت؛ التذکرة العظیمیة، (38) چهل روایت؛ عبدالعظیم الحسنی حیات و مسنده (39)، 78 روایت؛ مسند حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السّلام - که در مجموعه آثار کنگره حضرت عبدالعظیم علیه السّلام به چاپ رسیده -، یکصد و بیست روایت. (40)

لیکن باید توجه داشت که آنچه بدان اشارت رفت، همه روایات حضرت عبدالعظیم علیه السّلام نیستند. صاحب بن عباد، ایشان را «کثیرالحديث و الرواية» توصیف کرده و در رساله کوتاه خود، ایشان را چنین توصیف نموده:

«ذو ورع و دین، عابد معروف بالامانة و صدق اللهجة، عالم بامور الدین، قائل بالتوحید و العدل، کثیر الحديث و الرواية.» (41)

(عبدالعظیم)، شخصی پرهیزگار و دیندار بود. اهل عبادت بود و به امانتداری و راستگویی شهرت داشت. به امور دینی دانا بود. توحید و عدل را باور داشت و بسیار حدیث و روایت (از اهل بیت علیه السّلام) نقل می کرد. همانگونه که پیش از این اشاره شد، کتاب خطب امیرالمؤمنین و کتاب یوم و لیل از جمله مصنفات ایشان

است ، و بر این اساس باید گفت : بسیاری از روایات حضرت عبدالعظیم علیه السّلام به دلایل مختلف به ما نرسیده اند .

8. مهاجرت به ری

جزئیات مسائل مربوط به علل مهاجرت حضرت عبدالعظیم علیه السّلام به شهرری ، مشخص نیست ؛ لیکن می توان گفت که سابقه مبارزاتی خاندان آن بزرگوار از یک سو ، و شخصیت علمی و جهادی و ارتباط بسیار نزدیک حضرت عبدالعظیم علیه السّلام با اهل بیت علیه السّلام از سوی دیگر، موجب شدند که ایشان در سال های پایانی زندگی ، تحت تعقیب حکومت وقت ، قرار گیرد . از این رو، برای ادامه فعالیت ها و چه بسا با اشاره امام هادی علیه السّلام ، زندگی مخفی را انتخاب کرد، و با لباس پیک و به صورت مسافری ناشناس ، وطن اصلی خود را ترک کرد و شهرهای مختلفی را پشت سر گذاشت تا آن که در شهرری در مکانی به نام «سربان» (42) رحل اقامت افکند و در خانه یکی از پیروان اهل بیت علیه السّلام در محله ای - که «سکّة الموالی» نامیده می شد - سکونت یافت.

روزها روزه بود و شب ها به عبادت می پرداخت و گاه به صورت مخفیانه از خانه ای که در آن ساکن بود ، خارج می شد و به زیارت قبری که هم اکنون در مقابل مزار او قرار دارد ، می رفت و می فرمود : این ، قبر مردی از فرزندان موسی بن جعفر علیه السّلام است .

معلوم نیست که حضرت عبدالعظیم علیه السّلام چند سال در شهرری سکونت داشته است . مسلّم ، این است که ایشان به قدری در این شهر بوده که بیشتر شیعیان ری، به تدریج با ایشان آشنا شده بودند (43)، و با در نظر گرفتن این که ایشان به شدّت تحت تعقیب بوده و ارتباط تک تک مردم با او چه بسا مدّت ها طول می کشید ، می توان گفت : احتمالاً ایشان چند سال از سال های پایانی عمر خود را در ری گذرانده است. همچنین رفت و آمد بیشتر با وی ، حاکی از فعالیت های فرهنگی و سیاسی اوست .

9. سبب وفات

بر پایه گزارش نجاشی و صاحب بن عبّاد ، حضرت عبدالعظیم علیه السّلام در اثر بیماری و به مرگ طبیعی از دنیا رفته است.(44) هنگامی که بدن شریفش را برای غسل دادن برهنه کردند ، در جیب ایشان ورقه ای یافت شد که در آن ، نسب ایشان تا امیرمؤمنان علیه السّلام نوشته شده بود .(45) لیکن در کتاب الشجرة المباركة در باره سبب وفات حضرت عبدالعظیم علیه السّلام آمده : «و قتل بالری و مشهده بها معروف و مشهور .» (46)

(حضرت عبدالعظیم) در ری کشته شده و مزار او در آن جا معروف و مشهور است .

همچنین در کتاب المنتخب طریحی آمده:

قیل : «و ممن دفن حیا من الطالبین عبدالعظیم الحسنی بالری.» (47)

گفته شده از جمله کسانی که از خاندان علی بن ابی طالب زنده به گور شده ، عبدالعظیم حسنی در ری است .

در گزارش دیگری به کتاب مشجرات ابن معیه ، نسبت داده شده که ایشان را با زهر، به شهادت رسانده اند . (48)

درباره گزارش های یاد شده ، چند نکته قابل توجه است :

1. گزارش صاحب بن عبّاد و نجاشی ، معتبر و مربوط به قرن چهارم و پنجم هجری است . بنابراین در تعارض با گزارش های متأخر ، بر آنها تقدم دارد .

2. گزارش های یاد شده نشان می دهند که ظاهراً تا قرن پنجم هجری ، موضوع شهادت حضرت عبدالعظیم

مطرح نبوده است ، وگرنه در این گزارش ها به آن اشاره می شد .

3. در صورتی که بتوانیم بر گزارش کتاب الشجره المبارکه اعتماد کنیم ، جمع میان این گزارش و گزارش مشجرات

ابن معیه و نیز گزارش منابع معتبر یاد شده ، این است که ایشان در اثر مسموم شدن ، بیمار شده و به شهادت

رسیده است .

4. با عنایت به پیشینه خانوادگی حضرت عبدالعظیم علیه السّلام و قیام علویان در طبرستان ، در صورتی که

زمامداران فاسد بنی عبّاس از مخفیگاه ایشان در ری آگاه می شدند ، قطعاً ایشان را به شهادت می رساندند ، و

بعید نیست در اثر کثرت رفت و آمد با ایشان در مدّت حضورشان در ری ، به این موضوع پی برده باشند .

5. تشبیه زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السّلام به زیارت امام حسین علیه السّلام می تواند قرینه ای بر شهادت

ایشان باشد .

بنابراین ، هر چند دلیل قاطعی بر شهادت حضرت عبدالعظیم علیه السّلام در دست نیست ، لیکن دلیل محکمی

بر نفی شهادت ایشان نیز وجود ندارد ؛ بلکه با توجه به نکته سوم ، چهارم و پنجم ، پذیرفتن اصل شهادت بعید

نیست

10. مدفن حضرت عبدالعظیم علیه السّلام با اشاره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلّم

بر پایه گزارش صاحب بن عبّاد (326-385 ق) (49)، شب وفات حضرت عبدالعظیم علیه السّلام یکی از شیعیان

ری در عالم رؤیا ، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و سلّم را دید که به او فرمود : «مردی از فرزندان مرا فردا از سکه

الموالی می آورند و در باغ عبدالجبار بن عبدالوہّاب، در کنار درخت سیب ، دفن خواهند کرد» . آن شخص نزد

صاحب باغ رفت تا آن درخت و مکان آن را بخرد . صاحب باغ به او گفت: این درخت و مکانش را برای چه می

خواهی؟ او جریان رؤیای خود را بازگو کرد. صاحب باغ گفت: من هم چنین خوابی دیده ام و بدین جهت، محل

این درخت و همه این باغ را وقف سادات و شیعیان کرده ام که اموات خود را در آن دفن کنند. (50)

بنابراین گزارش ، با عنایت به این که باغ های آن دوران ، معمولاً بسیار بزرگ بوده ، می توان حدس زد که تا شعاع قابل توجهی در اطراف مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم علیه السلام وقف دفن سادات و پیروان اهل بیت علیه السلام بوده است

پی نوشتها

- (1) گفتنی است که برای معرفی شخصیت حضرت عبدالعظیم ، در 22 خرداد ماه 1382 ، کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم در تالار شیخ صدوق آستان مقدس ایشان برگزار شد و مجموعه آثار این کنگره در 29 جلد منتشر گردید .
- (2) رجال النجاشی : ج 2 ، ص 67 ، ش 651
- (3) ر.ک : معجم رجال الحديث : ج 10 ، ص 46 ، ش 6580
- (4) منتقلة الطالبیه : ص 157 به نقل از : شناخت نامه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام و شهرری / مجموعه مقالات چاپ شده: ص 72 (مقاله «آشنایی با حضرت عبدالعظیم علیه السلام و مصادر شرح حال او» ، رضا استادی) ، مهاجران آل ابوطالب : ص 235.
- (5) ر.ک : سرّ السلسلة العلویة : ص 24 ، عمدة الطالب : ص 94 ، مجموعه مقالات کنگره حضرت عبدالعظیم علیه السلام : ج 3 ، ص 50 (مقاله «بررسی کلی روایات حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام» ، محمد کاظم رحمان ستایش) .
- (6) ر.ک : مجموعه مقالات کنگره حضرت عبدالعظیم علیه السلام : ج 3 ، ص 50 (مقاله «بررسی کلی روایات حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام» ، محمد کاظم رحمان ستایش) .
- (7) ر.ک : عمدة الطالب : ص 93 و 70 .
- (8) سرّ السلسلة العلویة : ص 22 ، عمدة الطالب : ص 70 و 94 .
- (9) تاریخ اسلام ، ذهبی : ج 13 ، ص 414 .
- (10) سرّ السلسلة العلویة: ص 21 ، عمدة الطالب : ص 70 .
- (11) ر.ک : الإرشاد : ج 2 ، ص 21 .
- (12) سرّ السلسلة العلویة : ص 22 ، عمدة الطالب ک ص 69 ، قول 90 و 95 سالگی هم گفته شده است .
- (13) سرّ السلسلة العلویة : ص 20 .
- (14) از شیخ رجبعلی نکوگویان نقل شده است که حضرت عبدالعظیم را در عالم معنا زیارت می کند و از او می پرسد : از کجا به این مقام رسیدید ؟ ایشان پاسخ می دهد : « از راه احسان به خلق . از قرآن ، نسخه برداری می کردم و آن نسخه ها را در اختیار مردمی که طالب آنها بودند ، می گذاشتم و دستمزد ناچیزی نصیب می شد که آن را احسان می کردم . » (ر.ک : کیمیای محبت : ص 210 نیز ، ر.ک : همان ، فصل هفتم «احسان اولیای خدا»).نگارنده می گوید : کرامت و احسان آن بزرگوار در عالم برزخ نیز تداوم دارد ، این جانب در این باره خاطراتی دارم که برخی از آنها در کتاب آموزنده ترین خاطره ها خواهد آمد . إن شاء الله .
- (15) در گذشته ، در عرف عامه مردم ، کلمه «شاه» در بسیاری از موارد ، به نشانه تجلیل و احترام به کار می رفت

. به امیر مؤمنان علی علیه السلام ، «شاه مردان» و به امام حسین علیه السلام ، «شاه شهید» یا «شاه شهیدان» می گفتند . درباره حضرت عبدالعظیم علیه السلام این کلمه در کتاب های سده سیزده و چهارده هجری (نه کتاب های قبل از آن) دیده می شود و این کلمه ، جزو نام ایشان نیست . (ر.ک : شناخت نامه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام و شهرری / مجموعه مقالات چاپ شده : ص 73 (مقاله «آشنائی با حضرت عبدالعظیم علیه السلام و مصادر شرح حال او » ، رضا استادی) .

(16) ر.ک : مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم علیه السلام : ج 3 ، ص 181-185 (رساله «عراضة الإخوان : سفرنامه معلّم حبیب آبادی به آستانه حضرت عبدالعظیم و شهرری » ، محمّد علی معلّم حبیب آبادی .

(17) شناخت نامه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام و شهرری / مجموعه رساله های خطّی و سنگی : ص 273 (رساله «الخصائص العظیمیّة» ، شیخ جواد شاه عبدالعظیمی) .

(18) الکافی : ج 1 ، ص 424 ، ح 63 .

(19) ر.ک : معجم رجال الحديث : ج 19 ، ص 270 ، ش 13329 .

(20) ر.ک : شناخت نامه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام و شهرری / مجموعه مقالات چاپ شده : ص 67 (مقاله «آشنایی با حضرت عبدالعظیم علیه السلام و مصادر شرح حال او » ، رضا استادی) .

(21) شایان ذکر است که با مراجعه به منابع حدیثی و تاریخی ، مشخص میگردد که در باره تاریخ تولد و وفات بسیاری از پیشوایان اسلام ، گزارش های مختلفی وجود دارد و تاریخ دقیق و قطعی آنها مشخص نیست و بزرگداشت ایّام ولادت و یا وفات آنها براساس انتخاب نظر مشهور و یا انتخاب یکی از گزارش هاست .

(22) لیکن نمی توان به این روایت اعتماد کرد (ر.ک: معجم رجال الحديث : ج 10 ص 49 ش 6580) و بر فرض پذیرش آن ، احتمال دارد مقصود از «أبی الحسن» ، امام هادی علیه السلام باشد و کلمه «الرضا» توسط راوی یا مستنسخ ، افزوده شده باشد .

(23) رجال الطوسی: ص 401 ش 5875

(24) شرعة التسمية: ص 45. باید توجه داشت که براساس روایتی که از امام درباره فضیلت زیارت حضرتعبدالعظیم علیه السلام آمده، ایشان در دوران امامت امام هادی علیه السلام از دنیا رفته است . بنابراین نمی تواند از اصحاب امام علیه السلام و در دوران امامت آن حضرت باشد . این احتمال نیز که ممکن است لقب عسکری برای امام هادی علیه السلام هم به کار م رفته باشد ، قابل تأمل است ،چنان که در روایت صدوق در ثواب الاعمال در باره فضیلت زیارت حضرت عبدالعظیم علیه السلام ، ایشان با عنوان لقب عسکری نامیده شده و همین امر ، موجب شده که تصوّر شود شود حضرت عبدالعظیم علیه السلام از اصحاب فرزند ایشان که معروف به عسکری است نیز بوده است.

(25) . این رساله در سال 516 ق ، به خط یکی از بنی بابویه نگارش یافته است (ر.ک. خاتمه مستدرک الوسائل : ج 4 ص 404 ش 173).

(26) شناخت نامه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام و شهرری /مجموعه رساله های خطّی و سنگی : ص

23 (رساله « رساله فی فضل عبدالعظیم علیه السلام » صاحب بن هباد)

(27) . دراین جا مناسب است به مزاحی از آیه الله اراکی ، مرتبط با شخصیت علمی حضرت عبدالعظیم علیه السلام اشاره کنم : در تاریخ 4/4/1373ش، همراه آیه الله علی اکبر مسعودی ، تولیت وقت آستان حضرت

معصومه علیها السّلام ، با استاد بزرگوارم حضرت آیه الله محمّد علی اراکی رحمة الله دیداری داشتم . پس از احوالپرسی ، آقای مسعودی مرا به عنوان تولیت آستان حضرت عبدالعظیم معرفی کرد . آیه الله اراکی فرمود : « می گویند : سه کس ، شهید سه چیز شدند . آن سه ، عبارت اند از: حضرت عبدالعظیم علیه السّلام سیّد مرتضی و حاج محسن عراقی ! » و در ادامه توضیح دادند که : « حضرت عبدالعظیم علیه السّلام با این که از کبار محدّثین است ، ولی امام زاده بودنش ، محدّث بودن او را شهید کرده . معمولاً حضرت عبدالعظیم را به عنوان یک عالم و محدث نمی شناسند ؛ بلکه او را یکی از امام زادگان تلقی می کنند. سیّد مرتضی ، به عکس ، امام زاده بودنش شهید فقاہتش شده . با این که او مانند حضرت عبدالعظیم علیه السّلام چهار واسطه بیشتر تا امام معصوم ندارد ، ولی کسی او را به عنوان امام زده نمی شناسد !

و سوم ، حاج محسن عراقی ، با این که وی از فقهای بزرگ بود و از نظر علمی در حدّی بود که در جلسه ای در نجف که آقای ضیا عراقی هم حضور داشته ، یک نیم روز با آخوند خراسانی در رابطه با جواز اجتماع امر و نهی بحث می کردند و هیچ یک قدرت مُجاب کردن دیگری را نداشتند ؛ ولی چون ثروتمند بود ، ثروت، فقاہتش را شهید کرد. مردم او را به عنوان یک ثروتمند می شناسند و نه یک عالم و فقیه ! « ایشان در ادامه افزودند: « شأن نزول این ماجرا، قسمت اخیر آن است ».

(28) رجال النجاشی : ج2 ص66 ش 651

(29) رجال النجاشی : ج2 ص67 ش 651

(30) الفهرست : ص193 ش 548

(31) شناخت نامه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السّلام و شهرری / مجموعه رساله های خطّی و سنگی : ص 21 (رساله « رسالة فی فضل عبدالعظیم علیه السّلام صاحب بن عبّاد)

(32) ثواب الاعمال : ص 124 ح 1.

(33) . برای آشنایی با متن احادیثی که بدانها اشاره شد، ر. ک : دانش نامه امام حسین علیه السّلام : ج 11 (فصل سوم و چهارم از بخش سیزدهم) و برای توضیحات لازم ، ر. ک : همان : ج 11 ص 101-111 (پژوهش در باره ارزش زیارت امام حسین علیه السّلام)

(34) حاشیه الشّہید الثانی علی خلاصة الأقوال : ص 191 ح 289 ، مجموعه مقالات کنگره حضرت عبدالعظیم

حسنی علیه السّلام : ج 3 ص 42 (مقاله « زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السّلام » ، رضا استادی)

(35) مجموعه مقالات کنگره حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السّلام : ج 3 ص 43 (مقاله « زیارت حضرت

عبدالعظیم حسنی علیه السّلام ، رضا استادی)

(36) نگارش ملّا اسماعیل فدایی کزازی (م 1263 ق)

(37) نگارش ملّا محمّد باقر کجوری (م 1313 ق)

(38) نگارش محمّد ابراهیم کلباسی (م 1362)

(39) نگارش عزیزالله عطاردی (معاصر)

(40) ر.ک : مسند حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السّلام ص 19

(41) شناخت نامه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السّلام و شهرری / مجموعه رساله های خطّی و سنگی : ص 21 (رساله « رسالة فی فضل عبدالعظیم علیه السّلام » ، صاحب بن عبّاد) .

(42) گزارش شده که سربان در آن تاریخ ، یکی از زیباترین مناطق تفریحی جهان و شاه راهی بوده که شهرری را به

دو قسمت تقسیم می کرده و در وسط آن ، نهري جاری بوده است . در کنار آن نهر ، درختان سرسبز در هم پیچیده و در میان درختان ، بازارهایی وجود داشته که اطراف آن را درختان فراگرفته بود (ر.ک : معجم البلدان : ج 3 ص 205).

(43) این مطلب در گزارش نجاشی و صاحب بن عبّاد آمده است .

(44) رجال النجاشی : ج 2 ص 67 ش 651 ، شناخت نامه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السّلام و شهرری / مجموعه رساله های خطّی و سنگی : ص 22 (رسالة « رسالة فی فضل عبدالعظیم علیه السّلام »، صاحب بن عبّاد .)

(45) ر. ک : ص 11

(46) الشجرة المباركة ، فخر رازی (م 606 ق) : ص 64 (از منشورات کتاب خانه آية الله مرعشی) . گفتنی است که هر چند برخی به استناد یاد نکردن فخر رازی از این کتاب در سیاهه آثارش ، در انتساب این کتاب به وی تردید کرده اند ، لیکن نسخه های خطّی کتاب ، در انتساب آن به فخر رازی ، صراحت دارند و متن آن نیز نشان می دهد که مؤلف ، دانشمندی کاملاً آگاه به انساب خاندان رسالت بوده است و به همین دلیل ، نسب شناسان ، آن را در شمار منابع معتبر علم انساب یاد می کنند .

(47) المنتخب ، طریحی : ص 7 . گفتنی است که بسیاری از گزارش های این کتاب ، ضعیف و نادرست اند و لذا منفردات آن ، قابل اعتماد نیستند .

(48) شناخت نامه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السّلام و شهرری / مجموعه کتاب ها و رساله ها :

ص 141 («زندگانی حضرت عبدالعظیم و امام زادگان مجاور» ، محمد رازی شریف) .

(49) گفتنی است که این گزارش ، با اندکی تفاوت در رجال النجاشی (372-450 ق) نیز آمده ، و متن حاضر ، برگرفته از هر دو منبع است .

(50) رجال النجاشی : ج 2 ص 66-67 ش 651 ؛ شناخت نامه حضرت عبدالعظیم علیه السّلام و شهرری / مجموعه رساله های خطّی و سنگی : ص 22 (رسالة «رسالة فی فضل عبدالعظیم علیه السّلام» ، صاحب بن عبّاد).